

## دیدار اختصاصی هیات تحریریه محفل با آیت الله جوادی آملی؛ سکوت عالمانه!

در هیات تحریریه تصمیم بر آن شد که درباره «ضرورت علوم عقلی برای حوزه های علمیه با حضرت آیت الله جوادی آملی مصاحبه ای انجام شود! پیگیری های لازم انجام و مقرر شد در شهرستان دماوند پس از نماز ظهر و عصر خدمتشان برسیم. با مسئول هماهنگی برنامه های استاد، موضوع مصاحبه که رابطه فلسفه خواندن و اخلاقیات بود در میان گذاردیم و تقاضا کردیم موضوع را خدمت استاد نیز مطرح کند، وی با خنده ای معنادار پاسخ گفتند آقا متخصص این بحثهاست، لازم نیست! ما از طرح موضوع شرمند شدیم.

به هر حال روز معین شده به طرف شهرستان دماوند به راه افتادیم. به مسجدی که حضرت آیتالله دیدارها و جلسات و نماز جماعت برگزار می کند رسیدیم. حضرت استاد با قدمهای آرام به سمت مسجد در حرکت بودند. پیش از نماز دیداری با مسئولین و کارکنان شهرداری تهران داشتند! ایشان برای مسئولین و کارکنان شهرداری در مورد وجدان کاری و قیامت برای مسئولین شهرداری صحبت نمودند. بعد از نماز جماعت ظهر و عصر خدمتشان رسیدیم. ایشان کنار محراب نشستند و به پرسش های ما گوش فرا دادند:

يك جمله‌اي را علامه طباطبائي در وصف شهيد مطهري دارند که بسیار قابل تامل است؛ ایشان با تقوا بود، تقوایی که از فلسفه به دست آورده بود. مي خواستيم اين عبارت را توضيح فرماييد. در واقع تاثير و ترويج علوم عقلي در حوزه‌هاي علميه بر اخلاقيات چيست؟ حضرت استاد سکوتی کردند و جواب دادند:

- اين بحث، بحث علمي است و اين ضرورت هم بحث علمي است. بحث علمي را نمي‌شود در اینجا مطرح نمود. موعظه که نیست. باز هم سکوتی کردند و سر خود را به زیر انداختند! ما باز اصرار کردیم تا جوابی از ایشان بشنویم! اما سکوت ایشان شاید بهترین جواب برای ما بود! ایشان اصرار داشتند بحث علمی در جایگاه خودش با مطالعه و دقت انجام شود.

با این حال مشتاق بودیم توصیه‌هایی از ایشان به یادگار برای خوانندگان محفل بیاوریم لذا پرسیدیم: اتفاقا برخي مخالف فلسفه هستند به این جهت که فلسفه شبه‌هزایی می‌کند و آن ایمان راسخ را از بین می‌برد. وارد شدن به بحث‌های عقلي ایمانزدایی می‌کند، اما می‌بینیم که علامه خلاف این را مطرح می‌کنند.

و علامه جوادی پاسخ داد:

- « کتاب منزلت عقل در هندسه معرفت دینی را مطالعه کنید. ببینید چقدر خواسته شما را برآورده می‌کند. و جاهایی را که مربوط به سوال است را بیان میکند، که آیا عقل در هندسه معرفت دینی جا دارد یا خیر؟ و اگر جا دارد، جایش کجاست؟ اگر منزلت عقل در هندسه معرفت دینی بررسی شود، مشخص می‌شود که عقل در مقابل نقل است نه در مقابل وحی. هر دو چراغ و کاشف هستند. و باز مشخص می‌شود که ضرورت عقل کجاست. هم ضرورتش مشخص می‌شود و هم جایگاهش. هم اینکه عقل در مقابل نقل است نه در مقابل وحی. آنها خیال می‌کردند که عقل در برابر وحی است، لذا می‌گفتند این مطلب عقلي است یا شرعي. خیلی‌ها هم این تحلیل را دارند. در حالی که عقل یکی از منابع شرع است. اگر منابع معرفت شرع که کتاب، سنت، عقل و اجماع باشند که اجماع زیر مجموعه سنت است، عقل یکی از کشف کننده‌های شرع است، در مقابل شرع نیست. لذا باید گفته شود که مطلب عقلي است یا نقلی نه اینکه عقلي یا شرعي. لذا اگر مطلبی به صورت عقلي ثابت شد، آن واجب می‌شود. هم در مساله معرفت‌شناسی سهم تعیین کننده‌ای دارد و هم در مساله منجز و معذر.

در اصول ما متأسفانه به جای اینکه از عقل صحبت کند از علم صحبت کرده است. اگر نه که اصول را عقل دارد اداره می‌کند. اگر کسی در تمام مدت عمرش قرآن را ندیده باشد، منتهی مسلمان باشد و میدانند قرآنی هست، این می‌تواند در اصول مجتهد مسلم باشد. چون هیچ مسأله‌ای از مسائل اصول وابسته به قرآن نیست. دو آیه هست که محققین برای حجیت خبر واحد می‌آورند، که این حجیت نه به آیه نفر وابسته است و نه به آیه نباء. بنابر این مهمترین علم حوزوی ما که علم اصول است، هیچ وابسته به قرآن نیست، و همه را عقل اداره می‌کند. اول تا آخر اصول را بررسی کنید، از عقل بحث می‌کند. بحث اوامر، نواهی، مطلق، مقید... همه را عقل تأیید کرده و شارع هم رد نکرده است، پس حجت است. شما جلد اول کفایه را مشاهده کنید. نه روایت است و نه آیه، همه را عقل می‌گوید. البته عقل باید برهانی باشد، نه عقل وابسته به خیال، عقل وابسته به خیال که عقل نیست. شرایط استفاده از عقل را منطبق مشخص کرده است.»

سخنان استاد معظم به پایان رسید و ایشان از جای برخاستند و خداحافظی نمودند. درکش آسان بود که ایشان بسیار خسته‌اند و بار سالها تحقیق و مطالعه و تدریس جسمشان را آزرده است.

آن گونه که ایشان فرمودند عقل وقتی از وابستگی به خیال آزاد شود تازه عقل نامیده می‌شود. شاید جواب پرسش‌های ما از همین نکته به دست می‌آید. مراد با علوم عقلی موجب می‌شود عقل از شائبه‌های وهم و خیال تمحیص شود و این باب همه اخلاقیات است. آنکه ذهنی منطقی یافته دارد بیجهت به این و آن تهمت نمی‌زند و با عجله و بدون شنیدن دلایل و تامل کردن در آنها به رد و جرح این و آن نمی‌پردازد. ذهن در گیر با عقلیات صبور است حزم و دوراندیشی دارد دروغ و خلاف واقع را ناپسند می‌دارد و... خدا ما را به پیشرفت در اخلاقیات موفق بدارد.